

ارتفاعات الله اکبر چگونه آزاد شد



یکی از برادرانی که در عملیات پیروز فتح ارتفاعات الله اکبر شرکت داشت گفت: عملیات ما ساعت ۴ و نیم صبح شروع شد و تا ساعت ۶ صبح بیشتر طول نکشید. در همین کمتر از دو ساعت موفق شدیم این تپه‌ها را فتح کرده و بیشتر از ۴۰۰ اسیر بگیریم.

یکی از برادرانی که در عملیات پیروز فتح ارتفاعات الله اکبر شرکت داشت گفت: عملیات ما ساعت ۴ و نیم صبح شروع شد و تا ساعت ۶ صبح بیشتر طول نکشید. در همین کمتر از دو ساعت موفق شدیم این تپه‌ها را فتح کرده و بیشتر از ۴۰۰ اسیر بگیریم. به گزارش گروه حماسه و مقاومت خبرگزاری فارس، مطلب پیش رو گزارشی است از فتح ارتفاعات الله اکبر و چگونگی عقب راندن دشمن بعثی به روایت رزمندگانی که در آن عملیات حضور داشتند. گزارش با مقدمه خبرنگار پیام انقلاب اینگون آغاز می‌شود:

از اهواز به قصد دیداری از تپه‌ها بلند الله اکبر به راه افتادیم و نه با روحیه یاس و ناامیدی که با هیجان و شادی وصف‌ناپذیر ناشی از پیروزی. در مسیر از حمیدیه عبور کردیم مکانی که زمانی خبر رسیدن عراقی‌ها به آن را شنیده بودیم و اینک مردمی را می‌دیدیم که با آسودگی کامل به روال عادی زندگی مشغول بودند و دلاورانی را مشاهده می‌کردیم که در یک منطقه حساس و جنگی به کشاورزی پرداخته بودند. از حمیدیه به بعد هر چه به سوی ارتفاعات الله اکبر نزدیک‌تر می‌شدیم از میزان آبادی‌های صحرا کاسته می‌شد. چرا که تابش آفتاب سوزان جنوب بر شن‌های روان این منطقه باعث شده بود که تا آخرین قطرات آب نیز بخار شده و امکان رشد جز برای گیاهان خودروی بیابانی باقی نماند. با پیشروی ما منطقه هم لحظه به لحظه با آتاری که از عبور تانک‌ها و نفربرها بر جای مانده بود قیافه جنگ را به خود می‌گرفت. به دهکده تیپ حمید رسیدیم که گروهی از برادران سپاه پاسداران خراسان مشهد در در آنجا مستقر شده بودند.

دو تن از برادران مشغول نصب تابلویی در مقابل دهکده بودند که جمله شهید خورشیدی بر آن نقش بسته بود. شهیدی که در حماسه باز پس‌گیری ارتفاعات الله اکبر به لقاء الله پیوسته بود. در همان نزدیکی تعدادی تانک عراقی و یک ضد هوایی سالم که در تپه‌های شحیطه به غنیمت گرفته شده بود به چشم می‌خورد در ادامه راه کماکان خودروها، تانک‌ها و نفربرها منهدم شده عراقی مشاهده می‌شد که بسیاری کاملاً سوخته برخی نیز قابل تعمیر و استفاده مجدد بود. در مسیر به چند میدان مین برخورد نمودیم که به وسیله میله‌هایی حدود آنها مشخص شده بود و قابل توجه اینکه تعدادی از تانک‌های دشمن بر اثر اصابت به همین مین‌هایی که از طرف خودشان نصب شده بود از کار افتاده بود.

در مقابل بلندی‌های الله اکبر به تپه‌های شحیطه رسیدیم که گروهی از برادران پاسدار مشهد در آفتاب داغ و بر شن‌های تفتیده این ارتفاعات در سنگرهایشان مستقر بودند و لبخندی حاکی از رضایت بر لب داشتند. در گفت‌وگویی با آنها می‌خواستیم تا مشاهدات خود را برای ما بازگو کنند و ما را در جریان جزئیات این عملیات قرار دهند. ابتدا اظهار شد که تمامی برادران حاضر از واحد بسیج و سپاه پاسداران مشهد به منطقه آمده و در عملیات هماهنگ و موفق فتح ارتفاعات الله اکبر شرکت داشتند. سپس برادران یک به یک و با شور و شوق خاصی به سؤالات ما پاسخ دادند.

لازم به تذکر است که ما در رابطه با جزئیات این عملیات از فرمانده سپاه خوزستان خواستیم که با ما مصاحبه‌ای انجام دهند ولی ایشان به دلایلی حاضر به انجام مصاحبه نشدند.

اینک شما را در جریان صحبت‌های برادران رزمنده پاسدار قرار می‌دهیم:

برادر رزمنده مهدی مقربی از گردان حر وابسته به واحد مقاومت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشهد ضمن معرفی خود در رابطه با نحوه شروع و جریان عملیات گفت: بسم‌الله. بعد از شروع حمله به محض اینکه برادران با فریادهای الله اکبر به بالای تپه‌ها رسیدند باکمال تعجب دیدیم که نیروهای دشمن آنها که می‌توانستند شروع به فرار کردند و آنها که نمی‌توانستند بی‌هیچ مقاومتی در ظرف کمتر از 4 یا 5 دقیقه خودشان را تسلیم کردند و مثل این بود که منتظر بودند ما بیاییم تا خود را تسلیم کنند تعداد زیادی اسیر شدند که موقع اسارت فریاد می‌زدند: الخمی، الاسلام، العلی و چون غافلگیر شده بودند از شدت ترس و ضعف روحیه‌ای داشتند دست و پایشان به شدت می‌لرزید و تشنج داشتند. در هر صورت نیروهایی که دورتر بودند فرار کردند و بقیه که مقاومت کردند کشته شدند و با این پیروزی حدوداً ما 5 کیلومتر از محل سابق استقرارمان جلوتر آمدیم و دشمن را از این محل که قبلاً در آن مستقر شده بود نزدیک به 20 کیلومتر وادار به عقب‌نشینی کرده که در نتیجه آنها جمعا 25 کیلومتر به عقب رانده شدند.

س- برادرانی که در این عملیات شرکت داشتند از چه کسانی بودند؟

ج- البته تماما ادغام بودند در یکدیگر مثل نیروهای ارتشی و بسیج سپاه و نیروهای مردمی.

س- با توجه به پیروزی‌های چشمگیر و متوالی برادران رزمنده در جبهه چه پیامی برای آنان دارید؟

ج- از آنها می‌خواهم که مقاومت خودشان را از دست ندهند و استقامت کنند من فکر نمی‌کنم که تا لحظه پیروزی نهایی مدت زیادی باقی باشد چرا که ما در اینجا به عینیت دیدیم که همان گروهی که در اولین دقایق حمله را شروع کردند و بیش از 20 تا 30 نفر نمی‌شدند کافی بود تا تیپ مکانیزه دشمن را که در اینجا مستقر بوده کاملا در هم بریزد و همان تعداد نیرو برای فتح الله اکبر کافی بود. ارتفاعاتی که اینقدر در دشواری فتح آن صحبت شده بود.

س- اسرا و کشته‌های عراقی در این منطقه چه تعدادی بود؟

ج- خود من در حدود 70 تا 80 اسیر را دیدم اما تعدادشان خیلی بیشتر بود چرا که تنها واحد ما نزدیک به 150 نفر اسیر گرفت کشته‌های آنها هم فقط در مسیر راه من بیش از 20 نفر بود که بر زمین افتاده بودند و برادران رقم‌های بیشتری را می‌گفتند. تعداد زخمی‌های ما بسیار کم بود به طوری که ما تصورش را هم نمی‌کردیم با توجه به اینکه تعدادی از برادران ما موقع عبور از میدان مین به شهادت رسیده بودند و اصولا ما موقع تهاجم تعداد بسیار کمی شهید یا زخمی دادیم چرا که عراقی‌ها در آن لحظات بیش از جنگ به فرار و جان خودشان اهمیت می‌دهند.

یکی دیگر از برادرانی که در جبهه الله اکبر و در عملیات پیروز فتح این ارتفاعات شرکت داشت در همین باره گفت: عملیات ما در ساعت 4 و نیم صبح شروع شد و تا ساعت 6 صبح بیشتر طول نکشید. که در طی همین دو ساعت موفق شدیم این تپه‌ها را فتح کرده و بیشتر از 400 نفر اسیر بگیریم و حتی خود من چند نفر از اسرا را که در سنگرهایشان زخمی شده بودند به بهداری بردم.

س- به نظر شما دلیل اصلی این پیروزی که طبق گفته شما بیش از دو ساعت طول نکشید چه بود؟

ج- علت اصلی ایمان ماست ما با ایمان محکمتر می‌توانیم کاری کنیم که نیروهای عراقی که در دو ساعت 25 کیلومتر عقب‌نشینی کردند تا خود مرز هم به عقب بروند. بهترین دلیل اینکه تپه‌هایی را که هفت ماه در دست دشمن بود توانستیم در عرض دو ساعت از تصرف آنها خارج کنیم ما با ایمانی که طرفداران باصطلاح خلق بویی از آن نبرده‌اند این تپه‌ها را فتح کردیم. همین‌ها که اسم مجاهد خلق و فدایی روی خود گذاشتند و با احساسات مردم بازی می‌کنند در یک نشریه خواندم یکی از هواداران آنها گفته بودند من مبارزه با امپریالیسم را در سر چهار راه‌ها فریاد می‌زنم یعنی در حقیقت کارشان و مبارزه شان فقط شعار است و داد و بیداد در سر چهارراه‌ها آنها به دنبال دیوار صاف و سفید می‌گردند تا روی آن شعار بنویسند و رژیم خونین اسلامی ما را به باد تمسخر بگیرند اینها همانطور که امام فرمودند وابسته به آمریکا هستند و جز اوامر امپریالیسم و کمونیسم کاری را انجام نداده و نمی‌دهند و بزرگترین دلیل همین عدم حضور آنها در جبهه مبارزه با آمریکا و بازیچه اوست.

برادر عباس خاوری یکی دیگر از رزمندگان جبهه الله اکبر در رابطه با میدان‌های مین که توسط عراقی‌ها کار گذاشته شده بود گفت: حدود طبق آماری که به دست آمده مزدوران صدام در حدود 10 کیلومتر راه را مین‌گذاری کرده‌اند که خنثی کردن آنها بسیار آسان است و تنها یکی دو نفربر شنی‌دار ما هم که روی آنها رفته‌اند زنجیرشان پاره شده که آن هم قابل تعمیر مجدد است و الحمدالله میزان تلفات زرهی ما بسیار بسیار ناچیز بوده ولی تعداد مین‌های ضدنفر که در این مناطق کاشته شده خیلی زیاد است و تا به حال برادران ما چند ماشین از آنها را در کشف و خنثی کرده‌اند.

برادر دیگر ضمن اعلام این که من نمی‌خواهم اسمم را در مجله بنویسید چون غرورش باعث می‌شود که اجر عمل من که در راه خدا بوده کم شود در رابطه با عملیات بازپس گیری ارتفاعات الله اکبر و شحیطه توضیح داد و گفت: بسم الله بنده عضو سپاه پاسداران صالح آباد هستم و مدت یک ماه است که در جنوب هستیم و الان هم در جبهه‌های الله اکبر مشغول مبارزه‌ایم. شب قبل از حمله در یک دره‌ای جمع شده بودیم برادر فرمانده ما آمد و ضمن صحبتی با برادران گفت: امشب بروید با خدای خودتان راز و نیاز کنید و صورتتان را روی زمین بگذارید و امام زمان (عج) را طلب کنید تا انشاءالله پیروزی نصیب اسلام بگردد. ما ساعت سه و نیم حرکت کردیم من راننده نفربر خشایار هستم که بعد از نفرات پیاده به راه افتادیم. برادران ما به بالای ارتفاعات الله اکبر رسیده بودند و آنها را در حال پیشروی می‌دیدم چند تن دیگر از برادران ما در جلو حرکت می‌کردند و مین‌های داخل جاده را خنثی می‌کردند.

خود ما در همین سنگر که الان مستقر هستیم 5 نفر را به اسارت گرفتیم این 5 نفر به قدری ترسیده بودند که به شدت می‌لرزیدند من از قمقه خودم به آنها آب دادم و صورتشان را بوسیدم تا آنها را دلداری داده باشم و ثابت کنم که به آنها کاری ندارم در همین اثنا به ما خبر رسید که برادر وزیری سرپرست گروه ما محاصره شده بلافاصله با نفربر به طرف سنگر او به راه افتادیم وقتی به آن تپه‌ها رسیدیم.

چند نفر پیاده شدند و به طرز زیگزاگ به جلو رفتیم ولی ما با کمال تعجب و خوشحالی دیدم که خود برادر وزیری چند سرباز عراقی را به اسارت گرفته در حالی که سربازان عراقی با نشان دادن زیرپوش سفید و کاغذ اظهار می‌کردند که تسلیم هستند ما بلافاصله به کمک برادران آنها را جمع کردیم و برای اینکه فرار نکنند با بند پوتین دست‌هایشان را بستیم و به نفریرمان سوار کردیم و همراه با یک پی‌ام‌پی که از خود عراقی‌ها به غنیمت گرفتیم با حدود 74 اسیر به قرارگاه برگشتیم.

این برادر در پیامی خطاب به مردم مسلمان کشور از آنها خواست که فقط برای رزمندگان اسلام دعا کنند و اظهار داشت که بدون دعا به درگاه خدا و ایمان به او در جبهه‌ها کاری از پیش نخواهیم برد و تقاضا دارم که تنها حرف و تکیه‌گاه مردم قرآن و خدا باشد انشاءالله

آنچنانکه از سخنان برادران پاسدار و مسئولین عملیات هماهنگی سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران واحد بسیج سپاه پاسداران و نیروهای عراقی برداشت می‌شد جزئیات طرح فتح ارتفاعات الله اکبر با دقت اجرا شد و به این ترتیب با طرح‌های مثبت و امیدوار کننده بعدی به زودی پرچم خونین جمهوری اسلامی ایران و بیرق لا اله الا الله بر فراز مرزهای خاکی کشورمان به اهتزاز درخواهد آمد و مزدوران بعث به زودی طعم شکست‌های بزرگتری را خواهند چشید.